

## نگاهی به توسعه و پیشرفت از دیدگاه اسلام قربانعلی دری نجف آبادی<sup>۱</sup>

### چکیده

در تبیین عناصر پایه برای شکل‌گیری نظریه اسلامی پیشرفت، شناخت ماهیت انسان و تشخیص اهداف آفرینش انسان و جهان از اهمیت غیر قابل انکاری برخوردار است. این مقاله ضمن اشاره به دو موضوع اساسی فوق، به بررسی شرایط لازم برای پیشرفت از دیدگاه اسلام و لزوم بهره‌برداری و استفاده از همه ظرفیت‌ها پرداخته است. و با توجه به ابعاد ایجابی و سلبی پیشرفت و بر اساس آموزه‌های اسلامی به برخی شاخصها، مولفه‌ها، عوامل و موانع پیشرفت از نظر اسلام اشاره نموده است. یافته‌ها حاکی از آن است که عوامل نرم افزاری شامل اعتقادات اسلامی، اصول اخلاقی و مؤلفه‌های فرهنگی در فرآیند توسعه و پیشرفت و ایجاد آرمان شهر اسلامی و جامعه مطلوب ولایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و رسالت همگان به ویژه حوزه و دانشگاه و نخبگان و فرهیختگان و کارگزاران نظام اسلامی و دلسوزان جهان اسلام در این رابطه بسیار سنگین و خطیر و آینده‌مرهون و مدیون هوشیاری و بیداری حرکت و تلاش و جهاد و استقامت و ایمان و انگیزه‌های الهی و تداوم حرکت انقلاب اسلامی و خط ولایت و امامت است.

واژگان کلیدی: پیشرفت، توسعه، اسلام، الگو، انسان شناسی حیات طیبه و الگوی مطلوب

### ۱- مقدمه

از دو منظر به انسان و جهان و رابطه انسان با جهان و رابطه انسانها با یکدیگر می‌توان نگریست:

الف. نگاه الهی و وحیانی (توحیدی و اسلامی)

ب. نگاهی مادیگرانه و سکولاریستی

بر اساس دیدگاه اول خداشناسی و جهان‌شناسی و انسان‌شناسی همه بر مبنای توحید و بندگی و عبودیت خداوند متعال و هدفمندی خلقت و زندگی و تلاش در راه وصول

<sup>۱</sup> وزیر سابق وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران

به قله های کمال انسانها و تشکیل امت اسلامی و جامعه آرمانی بشری بر مبنای توحید، عدالت، کرامت، آزادی و آزادگی، مسئولیت شناسی و مسئولیت پذیری و سرانجام سیر الی الله و وصول به مقام قرب الهی است.

از این دیدگاه انسان موجودی است با فطرت الهی و کرامت ربانی و آزاد و آزادی خواه و مسئول که برای وصول به حیات طیبه الهی و سیر الی الله و فتح قله های کمال و ولایت آفریده شده و دنیا وسیله است نه هدف و انسان دارای ابعاد گسترده مادی و معنوی و اخلاقی و ملکی و ملکوتی است و به اصطلاح فلاسفه و حکما او "کون جامع" و وجود سعی دارد و می تواند به مقام خلافت الهی برسد و این رسالت یک رسالت عام و همگانی و مربوط به جامعه بشری و همه انسانهاست. باید کاری کرد تا مسیر جامعه بشری به سمت کمال و فضیلت باشد. و نه صرفا اشخاص به صورت فردی به سوی کمال راه یابند، بلکه فضای عمومی جامعه برای پویایی و حرکت به سمت کمال آماده باشد. متاسفانه در گذشته طرح مباحث این چینی از دیدگاه اسلام و اهل البیت کمتر فراهم بوده و نوعا آبخور این مباحث از غرب نشأت گرفته و غالبا تحصیل کرده ها و اندیشمندان و نظریه پردازان تحت تأثیر اندیشه های غربی با این مباحث مواجه شده اند. خوشبختانه انقلاب اسلامی زمینه بهتر طرح مفاهیم از دیدگاه اسلام و نظام اسلامی را فراهم ساخته و اندیشمندان و صاحب نظران جرأت یافته تا در برابر سیطره علمی و تکنولوژیکی و تبلیغاتی غرب به طرح مباحث و اندیشه های اسلامی و به نقد نظریه های رایج غربی بپردازند و راه های جدیدی را ارائه نمایند که نقاط قوت اندیشه و نظریه ها و تئوریهای غربی را در خود داشته باشد و از نقاط ضعف و انحراف آنها به دور باشد.

بدون تردید ما اگر بخواهیم مفاهیم را از غرب کلیشه کنیم و به نام اسلام و یا به صورتهای دیگر ارائه نمائیم، توفیق چندانی در ارائه راهکارهای خردمندان و حکیمان از دیدگاه اسلام نخواهیم داشت. اما اگر خود به مفهوم سازی و استنباط و اجتهاد در معارف دینی و اسلامی همت گماریم و با عنایت به تجارب و اندیشه ها و نظریه های بشری و نیازها و ضرورتها و شناخت مبانی به طرح و بیان اندیشه های اسلامی و ارائه نظریه بر اساس معارف اسلامی اهتمام ورزیم، می توانیم راه حل ها و نظریات مبتنی بر اصول اسلامی و آرمانهای دینی ارائه نمائیم و البته این روش و شیوه، پیش نیازهای فراوان دارد. در هر صورت باید از تحمیل نظریه و عقیده بر قرآن و اسلام و پیش داوری در این رابطه جدا

پرهیز شود و ما باید به سراغ کشف و اکتشاف از دل قرآن و سنت برویم، نه اینکه اندیشه‌ها و ذهنیات خود را بر قرآن و سنت تحمیل کنیم و یا پیش داوری کنیم.

## ۲- موضوعات اساسی توسعه و پیشرفت از دیدگاه اسلام:

اکنون به موضوع توسعه و پیشرفت از دیدگاه اسلام می پردازیم. در بحث توسعه و پیشرفت دو موضوع مهم مطرح است:  
موضوع اول شناخت انسان، ماهیت انسان، ابعاد وجودی انسان و موضوع دوم اهداف خلقت انسان و جهان است.

### ۲-۱- شناخت انسان و ماهیت او:

در سایه روشن شدن این دو موضوع مهم و معرفه‌الذات، موضوع توسعه، پیشرفت، روابط اجتماعی و سیاسی انسانها با یکدیگر، روابط با طبیعت، مسائل حقوقی و اخلاقی، اقتصادی، اداری، رفاه و آسایش، امنیت و اقتدار، عزت و آزادی و آزادی، کرامت و فضیلت، عشق و ایمان و محبت، سطح بندی نیازها و اهداف، آرمانهای دنیوی و اخروی، تعالی و تکامل انسانها، قرب الی الله و ولایت پذیری، تکلیف مداری و مسئولیت پذیری، جهاد و مبارزه همه جانبه با کفر و شرک و نفاق و هواها و هوسها و طاغوتها، سلامت و عافیت و رفاه و آسایش و خیر دنیا و آخرت مطرح می شود و انسانها در رقابتی سالم و سازنده و در جهادی همه جانبه و خدایسندانه برای فتح قله های کمال و ولایت الهی با یکدیگر به مسابقه و مسارعه می پردازند.

از دیدگاه اسلام و قرآن، انسان شگفت انگیزترین و زیباترین و ارزشمندترین پدیده آفرینش است و عالم اکبر در او تجلی یافته است و استعدادهای فراوان در نهان او به ودیعت گذارده شده است و به فرموده قرآن کریم حامل بار سنگین عنایت الهی و خلیفه الله و در احسن تقویم آفریده شده و اقتضاء و ظرفیت غیر قابل توصیف سیر الی الله و وصول به عالیترین درجه کمال و یا سقوط در هاویه و در مهالک دنیا و آخرت در او به ودیعت گذارده شده است.

او می تواند به مقام ابرار و پاکان عالم واصل شود و می تواند در اسفل السافلین سقوط کند و او می تواند مصداق خیرالبریه و مصداق شرالبریه باشد. او دارای فطرت عظیم الهی و توحیدی و امانتدار عوالم غیب است و اگر قدر خود را بشناسد و از نعمتهای الهی درست

بهره برداری کند، مشمول افزایش و تداوم عنایات خداوند متعال خواهد بود و اگر کفران نعمت کند با دست خود به پرتگاه سقوط در خواهد افتاد.

از دیدگاه قرآن کریم انسان کتاب جامع زندگی و مظهر کامل اسمای حسناى الهی و جامع جمیع صفات الهی و مظهر ولایت است. خداوند متعال و معلم به تعلیم اسمای اوست. این دیدگاه با نگاه مادی و یا نگاه تک بعدی و تک ساحتی نسبت به انسان بسیار متفاوت است و انسان را در عالیترین جلوه گاه جمال و جلال الهی قرار می دهد و او را کلید رمز عالم و کلید معمای هستی می شناسد که: مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ (۱)

## ۲-۲- اهداف خلقت انسان و جهان:

بر اساس این معرفت و ظرفیت و استعداد و قابلیت، اهداف خلقت انسان نیز روشن و تبیین می گردد و هدف نهایی از خلقت انسان سیر الی الله و وصول به مقام قَابِ قَوْسینِ أَوْ أَدْنَى (۲) و تحقق به حقیقت ولایت خداوند متعال است که: أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۳)

آری پیشرفت و توسعه، وصول به کمال و تعالی هدف و غایت آفرینش است. در حدیث معروف آمده است: الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ أَلْتَفَقَهُ فِي الدِّينِ وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ وَ التَّقْدِيرِ الْمَعِيشَةَ (۴)

منظور از این کمال غایت سیر و سلوک تا قرب و وصول انسان به مقام دارالقرار و مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ (۵) است. کمال انسان خود هدف است و خداپاوری و معادمحوری و خیر مطلق و حرکت در مسیر رضایت خداوند و تأمین معاش و معاد و تقرب الی الله و خدمت به بندگان خدا و برقراری قسط و عدل و هدایت و تهذیب نفوس معنا و مفهوم پیدا می کند.

در اسلام مفاهیم نظری، کاربرد عملی دارند و متدولوژی توسعه در الفاظ نیست و باید در صحنه های اقدام و عمل تبلور پیدا کند. إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ (۶) مانند قسط و عدل، امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با فساد و تباهی و در نهایت مفاهیم اسلامی بلوغ اجتماعی را در پی دارد.

در هر صورت اصل خداباوری و خدامحوری و سعادت انسانها و تکامل جامعه بشری و حرکت همه انسانها به سوی نور و هدایت الهی و قرب الی الله و رشد معنوی ملاک است. لَّا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ (۷)

در اسلام قسط و عدل نشأت گرفته از روح خداباوری و دین باوری است و از لوازم توسعه انسانی و حیات طیبه الهی است. عقلانیت و خردمندی، تعقل و تجربه، محبت و ولایتمداری، ایمان و انگیزه‌های الهی همه و همه وسیله و ابزار وصول به منزل مقصود است.

در اسلام توسعه ای ارزش دارد که انسانها را به مقصد برساند و در راستای تعالیم نورانی قرآن کریم و هدایت اهل البیت (ع) باشد و روح و جانمایه آن معنویت و اخلاق و حب فی الله باشد. توسعه ای که نیازهای بشری را با فرامین الهی منطبق می سازد و از توهمات و تعلقات ناقص بشری و هواها و هوسهای نفسانی و شیطانی به دور باشد و مایه بیداری انسان گردد و به او رمز بیداری و مؤانست و ذکر و انس و ایمان و خدمت به بندگان خداوند بیاموزد و انسان را در مسیر ولایت خداوند متعال قرار دهد.

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ فِيهَا خَالِدُونَ (۸)

موضوع ولایت الهی عالیترین و دلنشین ترین و آرامش بخش ترین مرحله حیات و سیر تکاملی انسانها و صعود الی الله است و در سایه این مقام که تجلی صفات الهی در او خواهد بود، مظهریت برای ظهور و بروز و انعکاس انوار عبودیت و خدمت در او ظهور خواهد یافت و آئینه جمال و جلال الهی خواهد شد.

در این مقام انانیت و ردائل اخلاقی از او رخت برخواهند بست و انگیزه‌های معنوی و نورانی در او ظهور خواهد یافت و او خود را چراغی در راه حق و بنده ای در راه خدمت به بندگان خدا می بیند و مظهر صفات جمالیه و جلالیه خداوند می شود و جز خدا را نمی بیند و جز خدا را نمی خواهد و بهشت و جهنم برای او بهانه است. او با رضوان الهی سر و کار دارد و عاشق بهشت آفرین است و لقاء او را می طلبد.

با عنایت به آنچه اشاره شد حقیقت وجود انسان گوهر تابناک و درخشان و جامع جمیع مراحل کمال مظهریت ولایت مطلقه الهیه و دارای ابعاد عظیم عقلانی، وحیانی، عواطف و احساسات اخلاقی و فضیلت و علم و عمل در عرصه‌های زندگی حیات طیبه الهی

در تمامی عوالم وجود است و حیات دنیوی او مقدمه ای برای حیات اخروی و الدنیا مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ (۹) است و به درجات آخرت نخواهد رسید، جز اینکه تمامی ظرفیتهای وجودی خود را در عالم دنیا از قوه به فعلیت و از نقص به کمال و از غفلت و جهالت و غرور به بیداری و یقظه و حضور و شهود تبدیل نماید و در راه تربیت خود گامی بلند بردارد و در عرصه جهاد اکبر تمامی قله ها را فتح کند تا مصداق آیات شریفه شود که فرمود: *يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ \* ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً \* فَادْخُلِي فِي عِبَادِي \* وَادْخُلِي جَنَّاتِي (۱۰)*

با توجه به نکات یاد شده آنچه از دیدگاه اسلام مطرح است: تعالی و تکامل، قرب الی الله، ولایت الهی و به مقام "عباد الرحمن" و "عبادی" نائل شدن است و مباحثی مانند توسعه، رشد، پیشرفت، حیات طیبه و عناوین مشابه دیگر باید در این راستا تعریف و تبیین گردد و همه در راه هدف یاد شده بسیج گردد. با عنایت به این مطلب دیدگاه‌های لیبرالی و مارکسیستی و افراطی و تفریطی و مادیگرانه و جاه طلبانه و غرور آمیز که اساس آن بر منافع شخصی و یا گروهی باشد، جایگاهی نخواهد داشت و نمی تواند نمره قابل قبولی کسب کند و رفاه و آسایش و امنیت و آزادی و کار و تولید و اقتصاد و معیشت و ثروت و سرمایه و درآمد و شاخصهای آن در چارچوب فوق قابل تفسیر و توضیح و تبیین خواهد بود و این واژه‌ها و مفاهیم باید به گونه ای دیگر تفسیر و تأویل گردند و از قالب مفاهیم غربی و شرقی و کلاسیک و دیدگاه‌های مختلف اقتصاددانان و آدام اسمیتها و مرکانتیلیستها تا کینزینها و امثال ایشان باید خارج شود و تفسیری و توضیحی و الگویی نو و الهی و انسانی ارائه گردد و این رسالت بزرگ صاحب نظران دنیای اسلام و جمهوری اسلامی ایران است و این انتظار مقام معظم رهبری (مدظله العالی) از ارائه الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی است و در چارچوب این آرمانها و اهداف باید جهت تحقق نظام اسلامی و شکل گیری اهداف متعالی آن برنامه ریزی و سازماندهی و تدبیر نمود.

آری مدل و الگوی جامعه اسلامی و ولایی باید بر اساس این دیدگاه تنظیم و زمینه و بستر تحقق آن فراهم و برای وصول به آن باید کادر سازی، برنامه ریزی، سازماندهی و اقدامات لازم انجام پذیرد و چه بسا معنای انتظار نیز به چنین تدابیر و آمادگی‌هایی اطلاق می گردد. نه صرفاً به شعار و یا دعا و غفلت از کار و تلاش و مجاهدت در راه خدا و بیداری و آگاهی انسانها و بیداری جوامع اسلامی و انسانی و تلاش در راه حاکمیت خداوند و گسترش عدالت در زمین؟!!

### ۳- لزوم استفاده از همه ظرفیتها:

در مدل و الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت باید از مجموعه‌ی ظرفیتها و شرایط استفاده کرد و تمامی عوامل را به کار گرفت و با بسیج همه امکانات و فرصتها و مجاهدت همه جانبه و عشق و ایمان و انگیزه و امید به خداوند و تلاش مستمر و فداکاری در جهت تحقق و عملیاتی کردن آن کوشش نمود. قطعاً باید از قبل نقشه راه مناسبی برای این حرکت عظیم تدوین شود و به صورت مرحله‌ای در دستور کار قرار گیرد و مراکز علمی و حوزوی و برنامه ریزی و سیاستگذاری از آن پشتیبانی کنند و به صورت یک امر فراگیر و ملی و بلکه بالاتر در آید و هدف تمامی دست اندرکاران و مسئولان و دل شیفگان معارف اسلامی و جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد. باید به صورت فرهنگ و انگیزه عمومی در آید و دغدغه همگان باشد و همه احساس مسئولیت کنند. «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ (۱۱)» آری رسالت بزرگ و نفسگیر به عهده فرد فرد افراد جامعه اسلامی است «وَتَنْفُسٍ وَمَا سَوَّاهَا \* فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا \* قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا \* وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا (۱۲)» و باری سنگین به دوش تمامی آحاد است تا امتی زنده، زندگی ساز، پویا، پایدار، مجاهد و فعال در تمامی عرصه‌ها بسازد.

أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَ هُمْ يَسْجُدُونَ (۱۳) امتی برپا ایستاده، مستقل، عزتمند، قدرتمند، با صلابت و غیر متکی بر دیگران، امتی که روی پای خود ایستاده و بر اساس قسط حرکت می‌کند و قیام به قسط سر لوحه برنامه‌های اوست و در این راستا امر به معروف و نهی از منکر می‌نماید و اقامه صلوة می‌کنند و شبها را شب زنده دار و روزها را در عرصه‌های کار و جهاد به فداکاری مشغول است و مصداق حکماء و علماء و ابرار و اتقیاست.

در این مقاله بیشتر به پیش شرطها و شرایط لازم و اصول اخلاقی مورد نیاز در پیشرفت و توسعه از دیدگاه قرآن و اهل‌البيت (ع) اشاره نموده و توضیح و تفصیل مباحث را به عهده خبرگان و صاحب‌نظران واگذار می‌نماید.

### ۴- شرایط لازم توسعه و پیشرفت از دیدگاه اسلام:

اما در زمینه پیش شرطها و شرایط باید به چند اصل عنایت شود:

- ۱- اصل اول جامعیت اسلام و اینکه اسلام دین جهانی و جاودانی و برای همه بشریت تا قیام قیامت آمده است و دین عقلانیت، حکمت، اخلاق و معنویت است و به تمامی نیازهای مادی و معنوی بشر تا همیشه تاریخ پاسخ خواهد گفت.
- ۲- فقهاء و صاحب‌نظران معارف اسلامی باید از این دیدگاه معارف اسلامی را تبیین نمایند و در طرح مباحث و اندیشه‌های اسلامی، اسلام را به عنوان دین اجتماعی و سیاسی، جهانی و جاودانه و پاسخگوی تمامی نیازها ارائه نمایند.
- ۳- موضوع سیاست‌گذاری، آینده‌نگری، نظام‌سازی و اسلام‌حیاتبخش، زندگی‌ساز، جامعه‌ساز، عدالتخواه، آرمان‌پرور، مدیر و مدبر که هدف آن ساختن امتی نمونه و برتر است، باید همواره مورد عنایت قرار گیرد.
- ۴- سطح بندی و رده بندی اهداف و آرمانها و برنامه ریزی برای هر مرحله تا جامعه عدل علوی و عدالت جهانی باید همواره مورد توجه و عنایت قرار گیرد و به راهبردهای کلان و مرحله‌ای و سیاستهای کلان و اجرائی و اهداف منطقی و استراتژی‌ها و تاکتیکها توجه شود و هر مرحله مقدمه‌ی مرحله بعدی و در هر اقدام شرایط قبلی تثبیت و برای شرایط بعدی تدبیر و برنامه ریزی شود.
- ۵- برنامه‌ها باید به صورت کوتاه مدت و دراز مدت دیده شود و باید تمامی شرایط برای تحقق نقشه راه مراعات شود و با امید به خداوند متعال و اعتماد به نفس و جهاد همه جانبه علمی و عملی و تبلیغی و تربیتی و فداکاری و عشق به هدف و انکال علی الله باید به کارها همت گمارد. وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۴)
- ۶- در هر نوع برنامه ریزی و سیاست‌گذاری و ترسیم خطوط اساسی باید ایمان به خداوند متعال، ایمان به قیامت و ایمان به اسلام و حاکمیت اسلام و ارزشهای اسلامی اصل و مبنا باشد و در جهت تحقق عدالت اجتماعی و رفاه و آسایش عمومی و آزادی و کرامت انسانها و تحکیم بنیادهای خانوادگی و اجتماعی و تألف و موالات و برادری و برابری و مواسات و مساوات و خیرخواهی و تناصح نسبت به یکدیگر و نسبت به انسانها و خیر دنیا و آخرت برای همگان باید تلاش و مجاهدت شود و انگیزه‌ها باید انگیزه‌های الهی و معنوی و برای خدا و در راه خدا باشد و برای تحقق جامعه اسلامی تلاش و فداکاری شود و از هر گونه خودخواهی و



خودمحموری و غرور و غفلت و جهالت و تکبر و خود برتربینی و تحقیر و توهین به دیگران جداً پرهیز و اجتناب شود و این رسالت بزرگ اسلام و نظام اسلامی است که در هر حال باید اصالت آن حفظ و در راه استقرار آن مجاهدت نمائیم.

۷- از دیدگاه اسلام، توسعه و پیشرفت برای انسانها و مدیون انسانهاست و انسان پیشرفته می تواند توسعه را ایجاد کند و توسعه مجرد و ذهنی نیز ارزشی ندارد، بلکه توسعه محصول تلاش انسانها و برای انسانهاست. پیشرفت و توسعه بیش از آنکه یک امر مادی و اقتصادی باشد، یک امر فرهنگی و معنوی و اخلاقی و اجتماعی و اعتقادی است.

توسعه و پیشرفت خود هدف است، نه وسیله! توسعه و پیشرفت برای انسانها و در خدمت انسانهاست، و آلا با رفاه عمومی و اجتماعی و آرامش و آموزش و بهداشت توسعه حاصل نخواهد شد. البته ممکن است توسعه به مفهوم غربی آن با این شاخصها صادق باشد، اما هرگز حقیقت و گوهر توسعه با این شاخصها به دست نخواهد آمد. البته این امور می توانند بستر باشند، نه صرفاً برای رفاه مادی و درآمد خانوارها و یا درآمد ملی و یا پیشرفت فیزیکی و یا رشد شاخصهای آموزشی و بهداشتی و تأمین اجتماعی و یا کاهش فاصله طبقاتی و رشد درآمد سرانه و مانند آن.

آری این همه خوبست و ممکن است طبق معیارهای غربی یک کشوری را از زمره کشورهای فقیر و یا توسعه نیافته و یا کمتر توسعه یافته به کشوری توسعه یافته نیز تبدیل کند، اما اهداف اصلی از این همه عوامل و عناصر و مؤلفه ها فراموش شده است. البته این امور شاخصهای خوبست تا جامعه انسانی به سر منزل مقصود برسد و چراغ عقلانیت و حکمت در او بارور شود و تحولات عظیم درونی در او پدیدار گردد.

«لیثیروا لهم دفائن العقول و یستادوهم میثاق فطرته ...»؛ تا دفینه های خرد را برای

آنان (مردم) برافشانند و پیمان فطرت خداوند را بازپردازی کنند. (۱۵)

باید گنجینه های عقول و خردمندی و خردورزی و علم و حکمت در انسانها شکوفا شود و چراغ معرفت روشن گردد و روح عدالتخواهی و تقوا پرورش یابد و انسان از لحاظ عقلانیت و معنویت به بلوغ لازم برسد و در سیر الی الله کوشا باشد و همه با هم زمینه ساز عدالت علوی (ع) و حکومت مهدوی (ع) گردند و به حبل الله اعتصام جویند و به حبل ولایت تمسک زنند و ثقلین را بر قلب و چشم و زبان و روابط خود حاکم گردانند.

#### ۸- عدالت

گوهر توسعه از دیدگاه اسلام استقرار و تحقق عدالت اجتماعی و پیاده کردن عدالت در تمامی شئون فردی، خانوادگی و اجتماعی جامعه اسلامی و بلکه جوامع بشری است. عدالت جوهر و روح تعالیم اسلام و جامعه اسلامی است و هر چه جامعه به عدالت نزدیکتر باشد، به اسلام نزدیکتر است.

عدالت جانمایه حیات انسانهاست. البته عدالت به مفهوم اسلامی با توحید و معرفه الله عجین شده و ریشه در معارف عمیق اسلامی دارد و امنیت و آزادی همه در سایه عدالت و با عدالت تفسیر می شوند و حقوق انسانها بر اساس عدالت شکل می گیرد و روابط انسانها بر اساس عدالت تنظیم می گردد. هدف از دستگاه سیاسی و حکومتی اقامه قسط در جامعه است. عدالت در تمامی شئون قضائی و حقوقی، اجتماعی، اقتصادی، استفاده از امکانات و فرصتها و بهره برداری از نعمتها برای همه صادق است. در مجازات مجرمان و برخورد با تبهکاران و در احیاء حقوق انسانها و در خمیرمایه وجودی انسانها عدالت نهادینه است. «الْعَدْلُ مَأْلُوفٌ وَ الْجَوْرُ عَسُوفٌ (۱۶)» عدالت مایه محبت و الفت و ظلم مایه نفرت و تفرقه است.

عدالت خود ارزش دارد و هدف است و بزرگترین درس مکتب انبیاء عظام (علیهم السلام) پس از توحید عدالت است و حکومت بی عدالت چراغ بی فروغ است. لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (۱۷)

#### ۹- ولایت و ولایتمداری

حقیقت ولایت اتصال و ارتباط بسیار نزدیک و صمیمی بین دو چیز است، به گونه ای که احساس دوتائی و دوگانگی و جدائی نشود.

شدت اتصال و ارتباط بین دو شیء را «ولی و ولاء» می گویند و خداوند تبارک و تعالی ولی علی الاطلاق و ولایت بر تکوین و تشریح دارد.

فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ (۱۸)

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاءُ لَهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۱۹)

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ (۲۰)

پیامبر (ص) ولایت از طرف خداوند متعال دارند و خداوند آن بزرگوار را به مقام ولایت برگزیده است.

النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا (۲۱)

و پس از آن حضرت وجود مبارک امیرالمومنین علی (ع) و یازده فرزند گرامی آن حضرت ولایت دارند و این مقام و منصب یک مسئولیت و امانت الهی است و مانند روابط و قراردادهای اعتباری در دنیا نیست و ولایت طولی و در طول ولایت خداوند متعال است و البته در زمان غیبت ولیعصر (ارواحنا فداه) به فقهای عدول جامع شرایط و آگاه به زمان و حادثه شناس می رسد و محوریت برای وحدت امت اسلامی و اقامه قسط و عدل و احیای اسلام و ارزشها اسلامی و پاسداری از حریم اسلام و مسلمانان و سرزمینهای اسلامی را به عهده دارد و اولی الامر در قرآن کریم بر این مصادیق منطبق است، نه بر رژیمهای فاسد و جبار و ستمگر.

#### ۱۰- خلافت و امانتداری انسان

انسان خلیفه و جانشین خداوند در زمین است و امانتدار کاخ با عظمت آفرینش است. باید بار سنگین امانت را به نحو احسن تحمل نموده و به نحو مطلوب به مقصد برساند و در اداء آن کوشا و مراقب باشد. در این رابطه آیات قرآن کریم بسیار حکیمانه چراغ راه و سرمایه عزت و شرف همگان است. قرآن کریم موضوع خلافت انسان را به صورت بسیار زیبایی تقریر فرموده، از جمله می فرماید:

الف- آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ (۲۲)

از آنچه خداوند شما را درباره آن جانشینی قرار داده، در راه او انفاق کنید. همه چیز ملک مطلق خداوند است و به انسان اجازه بهره برداری و استفاده مطلوب داده شده و اجازه حیف و میل و فساد و اسراف و تبذیر و احتکار و سختگیری بی حساب و بی مورد نداده اند. باید در چارچوب حدود الهی عمل نمایند و از طغیان و سرکشی در برابر اوامر الهی پرهیز نمایند.

ب- هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ

مُجِيبٌ (۲۳)

خداوند شما را در زمین آفریده و از شما خواسته تا زمین را آباد کنید. باید برای آبادانی زمین همت گماشت و با تدبیر و تقدیر در معیشت زمین را آباد کرد و از هرگونه فساد و تخریب و طغیان و سرکشی در برابر نعمات الهی و سلطه گری و زورگویی و تجاوز به حریم الهی پرهیز نمود.

ج- وَأَتَوْهُمْ مِّن مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَا تُكْرِهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّتَبْتَعُوا عَرْضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِن بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۲۴)

از مال و ثروت خداوند که در اختیار شما قرار داده به ایتام و نیازمندان بدهید. باید به صورت قصد از منابع خدادادی و ثروتهای الهی بهره برد و قصد و میانه روی و اعتدال را در تمامی شئون رعایت کرد و آنگاه مازاد آن را در راه فقرا، نیازمندان، ایتام، آوارگان، بی سرپناهان و آسیب دیدگان مصرف نمود.

د- وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (۲۵)

اداره اموال را نباید در اختیار سفیهان و فرومایگان و اشخاصی که از تدبیر لازم برخوردار نیستند قرار داد. مدیریت اموال عمومی و غیر عمومی باید در اختیار انسانهای بالغ و رشید و دارای قدرت تمیز و قدرت تشخیص و با تدبیر قرار گیرد.

ه- وَ آتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعَدَّوْا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ

كَفَّارٌ (۲۶)

از آنچه نیاز شماست و زبان خلقت و فطرت متقاضی آن است، خداوند در اختیار شما قرار داده و اگر بخواهید نعمتهای خداوند را شمارش کنید، هرگز نخواهید توانست آنها را احصاء و شمارش نمائید. براستی نعمتهای خداوند در عالم خلقت لاتعد و لاتحصی است و لکن انسان ظلوم و کفار است و بسیار در حق خود و دیگران ستم روا می دارد و بسیار نعمتهای خداوند را کفران می کند. انسان کفرانگر نعمتها و ظلوم در حق دیگران است و این دو صفت رذیله است که مانع می شود تا انسان از نعمتهای الهی بر خلاف مشیت و خواست الهی حرکت کند و حدود الهی را زیر پا بگذارد و حیف و میل کند و فساد نماید و نعمتی را یا در راه تباهی خود و دیگران به کار گیرد و در برابر حدود الهی طغیان روا بدارد و با ظلم و

تبعیض عمل کند و حقوق دیگران را بر باد دهد و جامعه بشری را دچار تضاد و تزاحم و اختلافات طبقاتی نماید.

و- امانتداری

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا \* لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (۲۷)

انسان امین خداوند در زمین است و بار سنگین امانت الهی را به عهده دارد و باید در راه اداء این امانت و پاسداری از حریم توحید و معرفت کوشا و جدی باشد. حفظ و پاسداری از امانت الهی و تلاش در راه بهره برداری خردمندان و خداپسندان از ودایع الهی کاری ارزشمند و منشاء خیر و برکت است. باید از خدوند خواست بر ما عنایت فرموده تا این بار گران را به مقصد برسانیم و در پیشگاه خداوند و اولیاء او سرفراز و سربلند باشیم.

در صورتیکه این مفهوم متعالی به فرهنگ و سیره و سنت و اخلاق و باور در آید و ملکه شود و به اعتقاد دینی و الهی تبدیل شود، نتیجتاً انسانها در مراقبت از نعمتهای الهی، صرف در مصارف حیاتی، ضروری و لازم، پرهیز از اسراف و تبذیر و تخریب، حفظ محیط زیست، سلامت در کارها و تعهدات، دوری از مفاسد و تضییع آن همت خواهند گماشت و در مشروب و مأكول و تولید و مصرف و پس انداز و سرمایه گذاری و انواع تصرفات دیگر حدود الهی را رعایت خواهد نمود.

این مسئولیت در امور مربوط به انفال و زکوات و اخماس و بیت المال و اموال عمومی و موقوفات و نذورات و حقوق عمومی و مردم بسیار حساس تر، سنگین تر و خطیر خواهد بود و موضوع حق الناس و مسئولیت الهی آن بسیار عظیم می باشد. لذا مسئولان ذیربط باید توجه نمایند و مراقب باشند. خداوند به همه ما توفیق عنایت فرماید.

۱۱- از موارد دیگر که بسیار حائز اهمیت است، باید بر اصل شکرگزاری در برابر نعمتها

و قدرشناسی از فرصتها و استفاده بهینه و مطلوب از ظرفیتهای استعدادها و نظم و انضباط در کارها، تدبیر در امور و عاقبت اندیشی کار و تلاش و فعالیت سالم، سازنده و مثبت، اولویت بندی در کارها، اتقان و استواری در اقدامات، امید و نشاط، صبر و مقاومت، جهاد و استقامت، صرفه جویی و قناعت، ایثار و فداکاری، تقویت و ارتقاء انگیزه های الهی، تلاش در راه عزت و اقتدار امت اسلامی، استقلال طلبی و

صیانت از هویت و ارزشهای عمیق اعتقادی و اخلاقی، تاکید بر اصل تعاون و تفاهم و محبت و توأسی به حق و توأسی به صبر و نقد حکیمانه و منصفانه و رعایت اصل عدل و انصاف در کارها و پاسداری از ارزشهای متعالی مکتب و امت اسلامی و کرامت انسانها و دوری و پرهیز از سلطه اجانب و مستکبران و طاغوتها و جباران و معاندان و پرهیز از روشهای غیر اخلاقی و نا مطلوب و یا کارهای خلاف شرع و قانون و انواع محرمات و ده ها اصل دیگر که هر یک خود عامل بزرگی در راه عزت و شرافت و کرامت جامعه اسلامی و جهان بشریت و عامل خیر و فلاح و صلاح و سعادت است.

#### ۱۲- امنیت فراگیر و همه جانبه

قرآن کریم سخن از قَرِيَّةٌ كَانَتْ اَمِنَةً مَّطْمَئِنَةً (۲۸) به میان آورده است. واژه «اَمِنَةً»، امان و امنیت و آرامش و ایمنی و معانی متناسب و ارزشمند و مشابه آن را تداعی می نماید. در آیات دیگر قرآن کریم بر مفهوم امنیت تاکید شده، از جمله: الَّذِي اَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَاَمَّنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ (۲۹) سیری از گرسنگی و ایمنی از خوف و ترس دو نعمت بزرگ الهی است که بر مردم مکه در جاهلیت کرامت شده بود و آنها از آن برخوردار بودند. در نهج البلاغه شریف سخن از امنیت بندگان مظلوم خدا به میان رفته است. فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تَقَامَ الْمَعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ (۳۰) موضوع امنیت از یک طرف وسیله است و از سوی دیگر خود هدف از جامعه برین اسلامی است.

در حدیث شریف آمده است: دو نعمت است که قدر آنها مجهول است؛ یکی نعمت سلامتی و دیگری نعمت امنیت که در سایه امنیت استعدادها رشد یافته و بستر لازم برای تعالی و تکامل انسانها فراهم خواهد شد. یکی از بزرگترین نعمتهای الهی در عصر ظهور، نعمت امنیت است.

وَلْيَبْدِلْ لَهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ اٰمِنًا يَّعْبُدُوْنِيْ لَا يُشْرِكُوْنَ بِيْ شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذٰلِكَ فَاَوْلٰئِكَ هُمُ الْفٰسِقُوْنَ (۳۱)

بدون تردید موضوع امنیت یکی از دغدغه های مهم بشریت در طول تاریخ بوده و در عصر حاضر نیز از مهمترین آرمانهاست و تأمین امنیت در تمامی سطوح حیات بشری از بزرگترین نعمتهای الهی و خدمات معنوی است.

تذکر این مطلب نیز لازم و مفید است که از دیدگاه اسلام اصول و مبانی و اهداف رشد و پیشرفت و توسعه و تعالی صرفاً در ابعاد مثبت و ایجابی خلاصه نمی شود، بلکه نسبت به ده ها اصل منفی و سلبی نیز باید مواظبت و مراقبت و پیشگیری و اقدام گردد و گوهر پیشرفت را باید در دو بعد ایجابی و سلبی و مثبت و منفی هر دو با هم جستجو کرد. از باب نمونه باید از هر نوع دیکتاتوری و استبداد و خود رأیی و خشونت و یا خفقان و تهدید و ارعاب و یا امتیاز خواهی و ویژه خواری و قدرت طلبی و جاه پرستی پرهیز نمود و از دروغ و خیانت و تبعیض ناروا و ربا و ریا و اختلاس و رشوه خواری و تنبلی و تن پروری و اسراف و تبذیر و خیانت در امانت و خدعه و نیرنگ باید اجتناب شود و هرگز وسیله ناروا تجویز نشده و هدف مقدس دلیل بر اقدامات خلاف شرع و خلاف اخلاق نمی شود.

در اینجا بر ایجاد شرایط لازم برای پیشرفت و توسعه اسلامی ایرانی اصرار نموده و بر عزم و اراده ملی و همگانی و ایمان و تعهد و همسویی و هماهنگی و فداکاری و وفاداری به یکدیگر و به اسلام و به میهن اسلامی و به خداوند و مردم و تلاش و مجاهدت و عشق و ایثار برای ارائه الگویی توانمند و عزت آفرین تاکید نموده و آسیب شناسی برنامه های گذشته در طول ۶۵ سال و بررسی عوامل موفقیت و ناکامی و نقاط قوت و ضعف آنها و شناخت و ارزیابی دوره های مختلف اعم از قبل از پیروزی انقلاب اسلامی از سال های ۱۳۲۷ تا ۱۳۵۷ حدود سی سال و پنج برنامه ای که در آن دوره ها اجرا شده، ۲ برنامه هفت ساله و ۳ برنامه پنج ساله و نیز ۳۵ سال دوران انقلاب اسلامی و دهه اول انقلاب از سال ۵۸ تا ۶۸ و دوران جنگ تحمیلی و پنج برنامه ای که در طول ۲۵ سال گذشته اجرا شده و با عنایت به چشم انداز بیست ساله که هشت سال از آن سپری شده، تأکید می شود. در هر صورت برنامه ها و اقدامات دوران انقلاب اسلامی و نقاط قوت و ضعف برنامه ها چه در تدوین و چه در اجرا و موانع و مشکلات پیش شرطهای لازم را برای تحقق برنامه ها و تأثیرگذاری بر تحولات جهانی و منطقه ای و اثرات آن بر تحولات ایران و عوامل فراوان درون زا و برون زا در این رابطه و با عنایت به ضرورت آینده نگری و لزوم احیاء فرهنگ و تمدن اسلامی و تعادل دین و دنیا و آخرت و عدالت و فضیلت و اخلاق و معنویت و عقلانیت و حکمت و تلاش همه جانبه در راه ایجاد امتی نمونه و شاهد و پیشرو و پیشتاز و آماده سازی مقدمات لازم برای ظهور منجی موعود و پیروزی حق بر باطل فراهم نمائیم. باید ساز و کارها و زمینه ها مناسب و اقدامات و برنامه های عملیاتی و اجرایی راهگشا را با تدبیر و

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارديبهشت و خرداد ۱۳۹۳

چاره اندیشی پیگیری نمود و با تکیه بر دو اصل صبر و شکر راه طولانی و پرپیچ و خم و پرفراز و نشیب آن را هموار نمود و با توکل و استعانت بر ذات اقدس احدیت و توسل به ذیل عنایات اهل البیت (ع) و با قوت و شجاعت برای آینده ای درخشان و امید بخش مجاهدت کرد و نترسید و نهراسید که "أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۳۲)"

باید برای رسیدن به الگوی حیات طیبه اسلامی و ولایتی و نیز قریه مطمئنه قرآنی که در آن اصول و ارزش های اسلامی حاکم باشد و برای جوامع اسلامی دیگر و جهان بشریت چراغی روشن و الگویی نجات بخش و راهنما باشد و با احساس مسئولیت همگانی و جهاد و ایثار و فداکاری و تدبیر و تلاش از تمامی ظرفیتهای خدادادی استفاده کرد و جامعه نمونه ای را ساخت تا برای دیگران تراز باشد و عدالت و اخلاق و آزادی و کرامت و آرامش و امنیت و رفاه مطلوب را برای تمامی مردم تامین نماید.

البته این کار بزرگ به برنامه ریزی، تدبیر و تقدیر المعیشه و صبر و فقاہت در دین نیاز دارد. همانطور که امام باقر (ع) فرمودند: الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ وَ تَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ (۳۳) حقیقت کمال در سه چیز است: فقیه شدن در دین، اندازه‌داری در زندگی و صبر بر مصیبت

و یا امام صادق (ع) فرمودند: ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءٌ يَحْتَاجُ النَّاسُ طَرًّا إِلَيْهَا: الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْخِصْبُ (۳۴)

سه موضوع است که تمامی مردم بدان نیازمندند:

الف- امنیت و آرامش

ب- عدالت

ج- رفاه و آسایش و فراوانی

و یا فرمودند: لَا تَطِيبُ السُّكْنَى إِلَّا بِثَلَاثٍ: الْهَوَاءِ الطَّيِّبِ وَ الْمَاءِ الْغَزِيرِ الْعَذْبِ وَ الْأَرْضِ

الْخَوَّارَةِ (۳۵)

زندگی و سکونت مطلوب و بهینه گوارا (پسندیده) نخواهد شد جز با فراهم شدن سه

چیز و سه شرط:

الف- هوای طیب و پاک و پاکیزه و استاندارد

ب- آب فراوان و شیرین و گوارا

ج- زمین مستعد و قابل کشت



## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

یا فرمودند: لَا يَسْتَعْنِي أَهْلُ كُلِّ بَلَدٍ عَنِ ثَلَاثَةٍ يُفَزَعُ إِلَيْهِمْ فِي أَمْرِ دُنْيَاهُمْ وَ آخِرَتِهِمْ، فَإِنْ عَدِمُوا ذَلِكَ كَانُوا هَمَجًا: فُقَيْهٌ عَالِمٌ وَرِعٌ وَ أَمِيرٌ خَيْرٌ مُطَاعٌ وَ طَبِيبٌ بَصِيرٌ ثَقَّةٌ (۳۶)  
مردم هر سرزمینی از سه چیز بی نیاز نیستند که در امور دین و دنیا به ایشان پناه ببرند و اگر نداشته باشند، جامعه آنها سرانجام نخواهد یافت.

الف - فقیهان دانشمند پرهیزکار

ب- کارگزاران و مسئولان خیرخواه که اطاعت از ایشان مورد قبول باشد.

ج- پزشکان با بصیرت و مورد اعتماد

در حقیقت هر یک از عناوین یاد شده در این احادیث شریف نماد یکی از عناصر و مؤلفه های مهم و تأثیرگذار و ارزشمند در امور جامعه اسلامی و بلکه جوامع بشری است. مثلاً در همین حدیث آخر فقاقت به موضوع معارف الهی و اعتقادی و اخلاقی و احکام نورانی اسلامی مربوط می شود و نقش فقیهان دانشمند و عالم به زمان و حوادث و آگاه به روز و با تقوا و پرهیزکار در این رابطه و یا امیران و فرماندهان و مسئولان و کارگزاران عالی جامعه و سیاستمداران و مسئولان قضائی و اجرائی و نقش ایشان در برقراری نظم و امنیت و هدایت جامع و توزیع منابع و تنظیم امور و نیز طبیب بصیر ثقه به موضوع بهداشت و درمان و پزشکی و سلامت جامعه مربوط می گردد.

در روایت دیگری امام صادق (ع) فرمودند: كُلُّ ذِي صِنَاعَةٍ مُضْطَرٌّ إِلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ يَجْتَلِبُ بِهَا الْمَكْسَبَ وَ هُوَ أَنْ يَكُونَ حَادِقًا بِعَمَلِهِ مُؤَدِّيًا لِلْأَمَانَةِ فِيهِ مُسْتَمِيلًا لِمَنْ اسْتَعْمَلَهُ (۳۷)

هر صاحب صنعت و فنی به سه اصل نیاز دارد تا موجب جلب رضایت خاطر مشتریان و رونق بازار خود گردد.

الف- در کارش مهارت و استادی و تخصص لازم را داشته باشد.

ب - امانتداری را رعایت کند.

ج - نظر و اعتماد مشتریان و متقاضیان را جلب نماید.

این حدیث بیشتر بر امور صنعتی و خدمات و تجارت و بیمه و بانکداری و حمل و نقل و پیمان کاری و صادرات و واردات و ده ها موضوع مشابه و استاندارد کردن کارها و خدمات و کالاها مربوط می شود و برآستی اگر این سه اصل رعایت شود، آیا روابط در این بخش به حدّ اعلای سلامت و سامان مطلوب نخواهد رسید؟

در روایت دیگری امام صادق (ع) بر سه وظیفه بسیار بزرگ و تأثیرگذار و عزت آفرین تأکید فرموده و هر گونه غفلت، سهل انگاری و کوتاهی را مردود شناخته و فرموده: وَ لَيْسَ يُحِبُّ لِلْمُلُوكِ أَنْ يُفَرِّطُوا فِي ثَلَاثٍ: فِي حِفْظِ الشُّعُورِ وَ تَقْضِيَةِ الْمَظَالِمِ وَ اخْتِيَارِ الصَّالِحِينَ لِأَعْمَالِهِمْ (۳۸)

سه خصلت است که کوتاهی در این رابطه از زمامداران پسندیده نیست و خداوند دوست نمی‌دارد.

الف - حفظ و پاسداری از مرزها

ب- رسیدگی و پیگیری امور ستمدیدگان

ج- برگزیدن شایستگان برای کارها و مسئولیتها

در این حدیث شریف امام (ع) بر سه مولفه بسیار کلیدی و تأثیرگذار تأکید فرموده‌اند. ۱- حفظ و نگهداری از مرزهای فیزیکی، جغرافیایی، اعتقادی، اخلاقی و فرهنگی جامعه و کشور که به صورت عمده مسئولیت نیروهای مسلح و دستگاه‌های امنیت و اطلاعاتی و تبلیغاتی و فرهنگی و رسانه‌ای و دیپلماسی جامعه اسلامی است و به یک معنا بسیار گسترده و همه‌جانبه است و مرزهای مجازی و فکری و اعتقادی و حقوقی و اقتصادی تا مرزهای عفاف و حجاب و امواج گسترده رسانه‌ای و فضای مجازی و جنگ روانی دشمنان و نفوذ شیطانی ایادی استکبار و صهیونیسم و سکولاریسم را شامل می‌شود.

۲- موضوع تفقد مظالم بسیار حساس و حقوق تمامی آحاد جامعه و پیگیری آن را شامل می‌شود که بخش عمده این مسئولیت به عهده دستگاه قضائی است.

۳- در بحث سوم به کلیدی‌ترین مسئله عنایت شده و آن شایسته سالاری در تمامی زمینه‌ها و به کارگیری صالحان و شایستگان برای انجام وظائف محوله و پاسداری از حقوق جامعه و اجرای احکام عادلانه، اداره حکیمانه و خردمندانه کارها و مسئولیت‌ها و خدمت صادقانه به مردم است که شرط لازم برای هر نوع موفقیتی است و اگر بنا باشد اهداف فوق تحقق یابد، جز در سایه کفایت و لیاقت و درایت و امانت و کاردانی و امانتداری محقق نخواهد شد.

امام (ع) در حدیث دیگری امانتداری و امین بودن در کارها را معرفی فرموده و یکی از شرایط لازم برای پذیرش مسئولیتها را چنین بیان فرموده: لَا يَكُونُ الْأَمِينُ أَمِينًا حَتَّى يُوْتَمَنَ

عَلَى ثَلَاثَةٍ فَيُوَدِّيْهَا عَلَى الْأَمْوَالِ وَالْأَسْرَارِ وَالْفُرُوجِ وَإِنْ حَفِظَ اثْنَيْنِ وَصَاعٍ وَاحِدَةً فَلَيْسَ بِأَمِينٍ (۳۹)

امانتدار امین نباشد جز اینکه در سه موضوع مهم امتحان داده باشد و پاکدستی او به اثبات رسیده باشد و نسبت به اموال و اسرار و نوامیس امانتدار باشد و در صورتی که در دو مورد مراقب باشد، ولی در مورد سوم خیانت یا سهل انگاری و سستی کند، هرگز امین نبوده و شایستگی امانتداری نخواهد داشت.

روایات یاد شده نمونه‌هایی از شاخص‌ها، مؤلفه‌ها، عناصر و عوامل رشد و توسعه و پیشرفت و عدالت و تعالی و تکامل بر اساس دیدگاه اسلامی و معارف اهل البیت (ع) می‌باشد.

#### خاتمه:

توسعه منابع انسانی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و نقش عوامل گوناگون و مدیریت و اعتقادات و باورهای عمیق دینی و ولایی و انگیزه‌های مادی و معنوی و اخلاق و روابط خانوادگی و اجتماعی و سیاسی و تاثیر نرم افزارها و عزم و اراده و عشق و محبت و ایمان و ولایت و عزت و کرامت و خیر و صلاح و سعادت و علم و معرفت و معنویت و اخلاق و جهاد و اجتهاد و ابتکار و خلاقیت و ایثار و فداکاری و اخلاص و حب فی الله و تعهد و مسئولیت‌پذیری و آرمان‌خواهی و آرمان‌گرایی و تلاش در راه ایجاد آرمان‌شهر اسلامی و جامعه مطلوب ولایی و تأمین حقوق برادران و خواهران و اهل ایمان و پیروان قرآن و آزادی خواهان جهان و خدمت به محرومان و مظلومان و مستضعفان و مبارزه با ظالمان و معاندان و مستکبران همه و همه در طرح اندیشه‌های اسلامی باید مورد عنایت قرار گرفته و از تألیف و ترکیب عوامل یاد شده الگویی شایسته ارائه گردد. انشاءالله

#### فهرست منابع و ماخذ:

۱. شرح غررالحکم و دررالکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی، ص ۲۳۲
۲. سوره نجم، آیه ۹
۳. سوره یونس، آیه ۶۲
۴. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۷۲
۵. سوره القمر، آیه ۵۵

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارده‌بشت و خردلو ۱۳۹۳

۶. سوره فاطر، آیه ۱۰
۷. سوره البقره، آیه ۲۵۶
۸. سوره البقره، آیه ۲۵۷
۹. عوالی اللالی: ۶۶/۲۶۷/۱
۱۰. سوره فجر، آیات ۲۷-۳۰
۱۱. سوره شمس، آیات ۱۰ و ۹
۱۲. سوره شمس، آیات ۷-۱۰
۱۳. سوره آل عمران، آیه ۱۱۳
۱۴. سوره آل عمران، آیه ۱۳۹
۱۵. نهج البلاغه، خطبه اول
۱۶. غرر الحکم
۱۷. سوره الحديد، آیه ۲۵
۱۸. سوره شوری، آیه ۹
۱۹. سوره بقره، آیه ۲۵۷
۲۰. سوره مائده، آیه ۵۵
۲۱. سوره الاحزاب، آیه ۶
۲۲. سوره الحدید، آیه ۷
۲۳. سوره هود، آیه ۶۱
۲۴. سوره نور، آیه ۳۳
۲۵. سوره النساء، آیه ۵
۲۶. سوره ابراهیم، آیه ۳۴
۲۷. سوره الاحزاب، آیات ۷۲ و ۷۳
۲۸. سوره نحل، آیه ۱۱۲
۲۹. سوره قریش، آیه ۴
۳۰. نهج البلاغه، خطبه شماره ۱۳۱
۳۱. سوره نور، آیه ۵۵
۳۲. سوره یونس، آیه ۶۲
۳۳. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۷۲
۳۴. تحف العقول، ص ۳۲۰

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارده‌بشت و خرداو ۱۳۹۳

۳۵. تحف العقول، ص ۳۲۰

۳۶. تحف العقول، ص ۳۲۱

۳۷. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۳۶